

جلسه "هفتم"	موضوع این جلسه: "صهیونیسم و روز قدس"	سلسله نشست های بصیرت افزایی با موضوع تحلیل تطبیقی تاریخ ایران معاصر
مورخ ۹۸/۳/۱	جامعه الزهرا(س) تالار بیداری	سخنران: حجت الاسلام والمسلمین دکتر لکزایی

روز قدس را در پیش داریم لذا از منظر قرآنی، فقهی، دینی و سیاسی به مسأله فلسطین می پردازیم.
در ابتدا، مبنای قرآنی مسأله دفاع از فلسطین؛

آیه ۸ و ۹ سوره ممتحنه. آیه ۹ سوره ممتحنه می فرماید: «انما ینهیکم الله عن الذین قاتلوکم فی الدین و اخرجوکم من دیارکم و ظاهروا علی اخراجکم عن توّلوههم و من یتولّهم فاولئک هم الظالمون». خدای متعال نهی می کند با کسانی که دو اقدام را انجام دادند، ارتباط دوستانه برقرار کنید؛ اول اینکه در امر دین با شما می جنگند و دین شما را قبول ندارند. « عن الذین قاتلوکم فی الدین ». دوم اینکه مسلمانان را از سرزمینتان بیرون می کنند یعنی سرزمین اسلامی را اشغال کردند. عده ای مستقیماً این کار را می کنند و عده ای هم به اینها کمک می کنند. « و ظاهروا علی اخراجکم » و پشتیبانی می کنند برای اخراج شما. می فرماید اگر کسی با اینها روابط دوستانه برقرار کند، جزء ظالمان و ستمکاران است: « من یتولّهم فاولئک هم الظالمون ».

در دنیای امروز، صهیونیست ها، مصداق این مسأله هستند؛ صهیونیست ها، مسلمان ها را از بخشی از سرزمین اسلامی که فلسطین است، اخراج کردند و سرزمین اسلامی را اشغال کردند و تا امروز هم با مسلمان ها می جنگند. پس با اینها نباید ارتباط دوستانه داشت اگر کسی ارتباط دوستانه داشته باشد، جزء ستمکاران است. از نظر فقهی هم نمی شود به جواز صلح با رژیم غاصب صهیونیستی فتوا داد، مبنایش همین آیه است که صراحت دارد و هیچ فقهی نمی تواند فتوا بدهد که می شود با رژیم غاصب صهیونیستی صلح کرد؛ چون این رژیم سرزمین اسلامی را تصرف کرد. لذا اصرار جمهوری اسلامی بر مسأله دفاع از فلسطین، یک مبنای قرآنی و دینی دارد. برای همین است که حضرت امام(ره) حتی قبل از تشکیل جمهوری اسلامی هم راجع به فلسطین چنین موضع گیری را داشتند و موضع مقام معظم رهبری حفظه الله تعالی نیز همین است.

در سال ۱۸۹۵ "تئودور هرتزل" کتاب "دولت یهود" را نوشت و صهیونیسم را به عنوان یک گروه سیاسی، تأسیس کرد. حال صهیون چیست که هرتزل بر این اساس صهیونیسم را تأسیس می کند؟ "صهیون" نام یک کوه است. کوهی در بیت المقدس که مقبره حضرت داود و مقام حضرت سلیمان در آنجاست. اعتقاد یهود و هرتزل این است که در آخرالزمان همه یهودی ها به صهیون بر می گردند. لذا هرتزل می گوید بیا بید به صهیون برگردیم. برگردیم به فلسطین و شروع می کنند به خرید زمین. دولت عثمانی که آن زمان حاکم بر فلسطین نیز هست (همه این کشورهای عربی که ما امروز داریم تماماً عضو امپراطوری عثمانی هستند یک کشور به نام عثمانی وجود دارد و پایتختش هم استانبول است می رود تا شمال افریقا) خرید زمین را پیگیری می کنند. در جنگ جهانی اول اتفاقاتی می افتد که گروهی هم از ایران که بهایی بودند منتقل می شوند به فلسطین و با آنها نیز همدست می شوند. بهائی ها منتقل شدند به فلسطین و شما می دانید که بیت العدل اینها « عکا » هست و اینها بازوی اطلاعاتی صهیونیست ها هستند. در سراسر جهان و با هم ارتباط وسیعی دارند و به هم کمک می کنند. این ادامه دار شد تا جنگ جهانی دوم. مستحضرید که امپراطوری عثمانی در جنگ جهانی اول تکه تکه شد و هر بخشی از قلمرو آن سپرده شد به بعضی از کشورهای اروپایی از جمله فلسطین که سپرده شد به انگلستان. سوریه و لبنان سپرده شد به فرانسه. بسیاری از کشورهای شمال افریقا نیز در اختیار فرانسه قرار گرفت اما فلسطین و اردن و عراق در اختیار انگلیسی ها قرار گرفت و در جنگ جهانی دوم حضور اینها به تثبیت می رسد و یک اتفاقی می افتد که سازمانی تشکیل می شود به نام سازمان ملل همان چیزی که امروز هم هست. این سازمان ملل بعد از جنگ جهانی دوم تشکیل شده است.

صهیونیست ها پیگیری کردند که به ما اجازه دهید که در فلسطین دولت یهود را تشکیل دهیم. فلسطین در اشغال چه کسانی بود؟ در اشغال انگلیسی ها بود یعنی تحویل آن ها شده بود. انگلیسی ها در سال ۱۹۱۷ (اوایل جنگ جهانی اول) یک وزیر امور خارجه ای داشتند به نام بالفور. بالفور در سال ۱۹۱۷ طی یک اعلامیه رسمی حق یهودیان را برای تشکیل دولت در فلسطین را به رسمیت شناخته بود. پس دولتی که آمد این حق را به رسمیت شناخت همان دولتی بود که بعد فلسطین را در اختیار گرفت بعد از جنگ جهانی اول و امپراطوری عثمانی را که دچار فروپاشی کردند فلسطین را تحویل او دادند. این پیگیری ها در سال ۱۹۴۷ میلادی نتیجه داد. نتیجه اش این شد که سازمان ملل جدیدالتاسیس، این حق را به صهیونیست ها داد که شما می توانید در فلسطین یک دولت یهودی تأسیس کنید. یک سال بعد یعنی در سال ۱۹۴۸ صهیونیست ها دولت مستقل یهودی را اعلام کردند. حالا چند درصد فلسطین را خریدند؟ تا سال ۱۹۴۸ پنج درصد را از مسلمان ها پول دادند و خریدند اما وقتی دولت فلسطین تضعیف شد و نمی توانست از حقوق مسلمان ها دفاع کند و حضور انگلیس را به رسمیت شناخته و انگلیس قیم شده و قیمومیت پیدا کردند و وقتی دولت یهود اعلام شد، این اعلام دولت همراه بود با حمله به مسلمان ها و ۷۷ درصد زمین ها را در اختیار گرفتند! با گروه های مسلحی که تشکیل داده بودند به مسلمان ها و فلسطینی ها حمله می کردند افرادی که می توانستند، فرار می کردند و الا هر که می ماند، کشته می شد و داستان آواره هایی که

شنیدید از اینجا شروع می‌شود. امروز حدود ۵ میلیون نفر فلسطینی آواره داریم که در کشورهای دیگر زندگی می‌کنند و بخشی هم در اردوگاه‌ها زندگی می‌کنند. پس یک مشکلی درست شده به نام آوارگان فلسطینی. از آن زمان این قصه ادامه دارد؛ یعنی نبرد بین فلسطینی‌ها و صهیونیست‌های اشغالگر؛ آنها پیشروی دارند و فلسطینی‌ها، عقب‌روی.

در آغاز عرب‌ها کمی به صحنه آمدند و تظاهر کردند که ما نمی‌گذاریم چنین اتفاقی بیفتد. اما همیشه شکست خوردند. مشهورترین سازمان فلسطینی که در برابر صهیونیست‌ها تشکیل شد سازمان "الفتح" به رهبری یاسر عرفات است. او نیز تحت تأثیر نواب صفوی شکل گرفت. نواب صفوی وقتی به مصر رفت با یاسر عرفات مواجه شد به او می‌گوید تو اینجا چکار می‌کنی؟ یاسر عرفات می‌گوید من دانشجو هستم و درس می‌خوانم. نواب صفوی می‌گوید درس می‌خوانی در حالی که سرزمین تو اشغال شده! و او از آنجا تغییر و تحولی پیدا می‌کند و درس و بحث را رها کرده و می‌رود سازمان "الفتح" را تشکیل می‌دهد. بزرگترین ایراد اینها این است که به جای اینکه مسأله را اسلامی بدانند، تبدیلش کردند به مسأله عربی. نتیجه‌اش شکست بعد از شکست و آخرش هم گفتند چه اشکالی دارد بیاییم صلح کنیم؟! آمدند صلح کردند که دوتا دولت داشته باشیم یک دولت فلسطینی و یک دولت یهودی و نتیجه این شد، همان صهیونیست‌ها که اول این را قبول کردند، زیرش زدند. همان کسانی که پشتیبانی کرده بودند این دولت را تأسیس بکنند همان‌ها شدند مخالف. همان‌هایی که پذیرفتند که بیت‌المقدس یهودی نشود، اولین کسانی بودند که سفارت خود را از تل‌آویو منتقل کردند به بیت‌المقدس. مثلاً تصور نکنید این اولین بار است که آمریکایی‌ها در برجام خلف وعده می‌کنند تاریخ آمریکایی‌ها همین را نشان می‌دهد. نه اینکه آمریکایی‌ها، اروپایی‌ها نیز همینطورند. اینکه خدای متعال می‌فرماید: «لا ایمان لهم» یعنی پایبندی به عهد و پیمان و قرارداد ندارند. اگر به نفعشان باشد سندی را امضا می‌کنند و روزی که به نفعشان نبود به قولشان پایبند نیستند. راضی شدند به دو تا دولت، امضاء کردند، انگیزه مقاومت را تضعیف کردند، اینها را محدود کردند، گفتند کرانه باختری، و غزه برای دولت فلسطین باشد، در حالیکه جزء بدیهیات است که کشورهای پاره پاره، دوباره تکه تکه خواهند شد. کرانه باختری جدای از غزه معلوم است دو تکه می‌شود. بلافاصله این خودش می‌شود دو تا تکه، کرانه باختری که دست فتح است و غزه که دست حماس است یعنی خود فلسطینی‌ها دو گروه شدند. ورق از کی برگشت؟ از زمانی که تلاش‌های جمهوری اسلامی شروع شد که ما مسأله فلسطین را به جای اینکه یک مسأله عربی بدانیم یک مسأله اسلامی و قرآنی بدانیم؛ لذا موضع جمهوری اسلامی از اول این بود که فلسطین باید توسط فلسطینی‌ها تعیین تکلیف شود. از حضرت امام شنیدید که اسرائیل باید از صفحه روزگار محو شود (مقام معظم رهبری هم بارها بر آن تأکید کردند). تبیین مقام معظم رهبری این است که می‌گویند همین دموکراسی که غربی‌ها مدعی آن هستند و ما هم می‌گوئیم. فلسطینی‌ها چه یهودی چه مسلمان چه مسیحی، آنها که فلسطینی هستند این آواره‌های فلسطینی برگردند به کشور خودشان یک انتخابات انجام شود. هرچه رأی دادند این معلوم است که محو اسرائیل است چون فلسطینی‌ها فقط جمعیت آواره‌شان از کل جمعیت اشغالگر بیشتر است. اولین جایی که به لحاظ مبارزاتی نتیجه خودش را نشان داد قصه جنگ ۲۲ روزه بود؛ اینان به نوار غزه حمله کردند اما برای اولین بار نتوانستند که پیروز شوند. این زمانیست که حماس اعلام کرد که هیچ کس به ما کمک نکرد جز جمهوری اسلامی. یعنی دیگر کشورها این‌ها را رها کرده بودند و کار تمام شده است.

تأکید مقام معظم رهبری ^{مدظله‌العالی} این است که فلسطین باید مسأله اول جهان اسلام باشد. تمام تلاش امریکا و صهیونیست‌ها و حکومت‌های خود فروخته عربی این است که ایران بشود مسأله اول جهان اسلام، ایران هراسی بشود مسأله اول جهان اسلام و خیلی عجیب است. به ایران می‌گویند چرا دخالت می‌کنید در کار عربها؟! فلسطین مسأله عربی است، بگذارید ما خودمان بفروشیم و معامله کنیم تمام بشود معامله بزرگ قرن! معامله نیست باید اسمش را خیانت بزرگ قرن! بگذاریم.

خیانت بزرگ قرن چیست که ترامپ به دنبالش است؟ بیت‌المقدس بشود پایتخت اسرائیل و صورت مسأله کرانه باختری و نوار غزه هم جمع شود و کشوری به نام فلسطین نباید وجود داشته باشد. پناهندگان را چکار کنیم؟ پناهندگان بین کشورهای عربی توزیع شوند. هرجا هستند جز همان کشور شوند. خیانت بزرگ قرن است.

این کشورهای عربی چرا به یمن فشار می‌آورند؟ چرا یمن را بمباران می‌کنند؟ چون یمنی‌ها مرگ بر صهیونیسم و مرگ بر امریکا جزء شعارهای اصلیشان است. پس تاکنون آنچه که جمهوری اسلامی مطرح کرده است، به فضل الهی، روز به روز رو به پیشرفت است. فلسطین نماد عمل جمهوری اسلامی به تکلیف اسلامی و انسانی خودش است. فلسطین نماد رهبری جهانی جمهوری اسلامی است اینکه فقط ولایت فقیه است که می‌تواند جهان اسلام را رهبری کند.

جمهوری اسلامی با زنده نگه داشتن مسأله فلسطین به اسلام عمل می‌کند، به تکلیف دینی خودش عمل می‌کند. لذا فلسطین باید نماد وحدت همه مسلمان‌ها باشد چه شیعه و چه سنی، هرکه قلبش برای اسلام می‌تپد. ولایت فقیه فقط نباید یک رهبری شیعی دیده شود ولایت فقیه یعنی رهبری امت اسلام. اگر فقط شیعی بود که از فلسطین دفاع نمی‌کرد و نمی‌گفت فلسطین باید مسأله اول جهان اسلام باشد. این یعنی قلب ولایت فقیه برای کل امت اسلامی. لذا تأکید کنیم که فلسطین اولویت اول جهان اسلام است که اگر این مهم تحقق پیدا کند به قول حضرت امام (ره) که می‌فرمایند روز قدس روز اسلام است. روز حکومت اسلامی است.

"والسلام"